

إِغْتِنَامُ الْفُرْصَةِ

بَادِرِ الْفُرْصَةَ، وَاخْذِزْ فَوْتَهَا
وَاعْتَنِمْ عُمْرَكَ أَيَّامَ الصَّبَا
إِنَّمَا الدُّنْيَا خَيْالٌ عَارِضٌ
فَابْتَدِرْ سَعْيِكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَنْ
وَاتْرَكَ الْحِرْصَ تَعِشَ فِي رَاحَةٍ
قَدْ يَضُرُّ الشَّيْءُ تَرْجُو نَفْعَهُ
هَذِهِ حِكْمَةُ شَيْخٍ عَالِمٍ

سامي البارودي



البارودي مصري المولد. قد تذوق مرَّ الحياة وحُلُوها. فجمَعَ تجاربَ قيِّمةً في حياته. شَجَعَ الشاعرُ في هذه القصيدة الشبابَ إلى الاستفادة من الفرصِ للوصولِ إلى الشرفِ والمجدِ. و يعتقدُ أنه لا ينجحُ في هذه الحياة إلا المجدون. و يرى أنَّ النَّاسَ في مُجتمَعه يُضَيِّعونَ عُمْرَهُمُ إلا أصحابَ الأخلاقِ الكريمةِ و من تعرَّفَ على حقيقةِ الحياة. البارودي قد أحسَّ أنَّ بلاذةً لا تعاني إلا الكسالةَ والخمولَ فيدعو إلى السَّعيِ والعملِ.

١ اکتب عنواناً مناسباً آخرَ للقصيدة على حسب رأيك :

٢ اِنتخب الأنسب لمفهوم القصيدة :

فلا حُزْنٌ يَدُومُ ولا سُروُرٌ	- رأيتُ الدَّهْرَ مُخْتَلِفًا يَدُورُ
إِنَّ الحَيَاةَ دَقَائِقُ وَتَوَانٍ	- دَقَاتُ قَلْبِ المَرْءِ قَائِلَةٌ لَهُ
والمَرْءُ بِالْجُبْنِ لَا يَنْجُو مِنَ القَدْرِ	- فِي الجُبْنِ عَارٌ وَفِي الإِقْدَامِ مَكْرُمَةٌ

٣ للتعريب :

١ من ایام جوانی از عمر خود را مغتنم می شمارم.

٢ عزت در غنیمت شمردن فرصت هاست.



فوائد آموختن این درس چیست؟

- اسلوب استثنا دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- اسلوب استثنا مرکب از سه رکن است : **مُسْتَثَنِي مِنْهُ**، **ادات استثنا** و **مُسْتَثَنِي**.
- اعراب مستثنی (اسم پس از **إلا**) چگونه است؟
- مستثنی منه گاهی در جمله حذف می‌شود.



با اصطلاحات «**استثناء**»، «**مستثنی منه**» و «**مستثنی**» آشنا شویم.

- ✓ **استثناء** مصدر باب (استفعال □، انفعال □) است.
- ✓ **مستثنی** (اسم فاعل □، اسم مفعول □) به معنی (جدا شده □، جدا کردن □) است.
- ✓ **مستثنی منه** به معنی (جدا شده از آن □، جدا کردن از آن □) است.

اکنون به الگوی زیر توجه کنیم :

* آدیتُ امتحانَ جميعِ الدروسِ . ما آدیتُ امتحانَ اللّغةِ العربيّةِ .

جمله اصلی + اِلَّا + مستثنی

آدیتُ امتحانَ جميعِ الدروسِ اِلَّا اللّغةِ العربيّةِ .

چه کلمه ای موجب ارتباط میان دو جمله شده است؟
 «اللغة العربية» از چه کلمه ای استثناء شده است؟
 اعراب اسم بعد از اِلَّا چگونه است؟

اکنون با استفاده از الگوی داده شده، اسلوب استثنا بسازیم :

١ نَجَحَ التَّلَامِيذُ فِي الْاِمْتِحَانِ . مَا نَجَحَ الْمُتَكَاسِلُ فِي الْاِمْتِحَانِ .

٢ يَنْقُصُ كُلُّ شَيْءٍ بِالْاِنْفَاقِ . لَا يَنْقُصُ الْعِلْمُ بِالْاِنْفَاقِ .

مستثنی منه می بایست

از یکی بیشتر

(باشد □، نباشد □)

به اسم قبل از اِلَّا «مُستثنی منه» و به اسم پس از اِلَّا «مُستثنی» می گوئیم .

اعراب مستثنی (منصوب □، مرفوع □) است.

الْمُسْتَثْنَى

۱ عَيْنُ الْمُسْتَثْنَى وَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ :

- لَا يَفُوزُ النَّاسُ إِلَّا الْمُجِدِّينَ مِنْهُمْ.

- ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾

۲ تَرْجِمَ مَا يَلِي :

- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

- كُلُّ شَيْءٍ يَرُخُّ إِذَا كَثَرَ إِلَّا الْأَدَبَ.

مکعبها

گاهی در جمله‌های منفی، مستثنی منه حذف می‌شود :

ما قرأتُ (دروسی) إِلَّا دَرَسَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

مستثنی منه

در چنین استثنایی معنای **حصر و اختصاص**

وجود دارد : جز درس عربی درسی را نخواندم.

(فقط درس عربی را خواندم.)

از کجا تشخیص دهیم،
مستثنی منه محذوف شده است؟
هرگاه یکی از ارکان جمله در
عبارت قبل از **إِلَّا** ذکر نشود
(فاعل، نائب فاعل، مفعول به،
خبر) باید حدس بزنیم که
مستثنی منه محذوف است.

تَمَارِينُ

الْعَمْرَيْنِ الْاَوَّلِ

لِلتَّطْبِيقِ

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ وَتَرْجِمْهُ ثُمَّ أَجِبْ

عَنِ الْأَسْئَلَةِ :

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَسْجِدَ وَحِيداً وَ شَاهَدَ هُنَاكَ
جَمَاعَتَيْنِ؛ جَمَاعَةً يَتَفَقَّهُونَ وَ جَمَاعَةً يَدْعُونَ اللَّهَ.

فَقَالَ : كِلَا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَى خَيْرٍ. أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ
وَأَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَيُفَقِّهُونَ الْجَاهِلَ. هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ. بِالتَّعْلِيمِ
أُرْسِلْتُ. ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ.

١ ماذا شاهد النبي (ص) في المسجد؟

٢ ما هو هدف بعثة النبي (ص)؟

٣ أعرب ما أُشير إليه بخطِّ .

شكّل الكلمات التي أُشير إليها بخطّ :

١ استشير الناس إلا الجاهلين.

٢ ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾

عين الأصحّ والأدقّ في الترجمة :

لا تطلب إلا الحسنات.

– فقط خوبي ها را طلب كن. □

– مخواه جز خوبي را. □

۱ گاهی در جمله‌های منفی می‌توانیم جمله را به صورت مثبت و مؤکد ترجمه کنیم: **ما جاء إلا هذا الطالب** = فقط این دانش‌آموز آمد.

۲ در ترجمه عباراتی که دارای کلمه «إِنَّمَا» است از تعبیری چون «فقط، بی‌شک، تنها و...» استفاده می‌کنیم:

إِنَّمَا الْعَزَّةُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ.

عزت فقط از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است.

به ترجمه متن ذیل توجه کنیم و غلط‌های موجود در آن را تصحیح کنیم:

هذا خلق الله.

الْخَفَافِشُ مِنْ أَعْجَبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ تَعَالَى. ^۲ فَلَا تُسَاعِدُهَا عِنْدَ الطَّيْرَانِ إِلَّا آذَانُهَا، ^۳ فَهِيَ لَا تَسْتَفِيدُ مِنْ عُبُونِهَا عِنْدَ الْحَرَكَةِ. ^۴ قَدْ زَوَّدَ اللَّهُ تَعَالَى هَذَا الْمَخْلُوقَ الْعَجِيبَ بِحَاسَّةٍ سَمِعَ حَادَّةٍ جَدًّا ^۵ يَسْتَعْمِلُهَا لِاجْتِنَابِ الْأَضْطِدَامِ بِالْأَشْيَاءِ أُنْتَاءَ الطَّيْرَانِ. ^۶ هُوَ يُرْسِلُ مَوْجَاتٍ صَوْتِيَّةً قَصِيرَةً ^۷ وَعِنْدَ اضْطِدَامِ هَذِهِ الْمَوْجَاتِ بِشَيْءٍ تَرْتَدُّ إِلَيْهِ ^۸ فَيَسْمَعُهَا الْخَفَافُ وَيُدْرِكُ مَكَانَ الشَّيْءِ وَحَجْمَهُ وَبُعْدَهُ. ^۹ وَلَا يَمْتَمِعُ بِهَذِهِ الْقُدْرَةِ إِلَّا الْخَفَافُ.

این آفرینش خداست.

^۱ خفّاش‌ها از عجیب‌ترین مخلوقات خداوند متعال هستند. ^۲ هنگام راه رفتن فقط گوش‌ها به او کمک می‌کند. ^۳ و او از چشمش هنگام پرواز استفاده نمی‌کند. ^۴ خداوند متعال این آفریده شگفت را به حس بسیار تیز شنوایی مجهز کرده است ^۵ که آن را برای پرهیز از برخورد با اشیاء پس از پرواز به کار می‌برد. ^۶ این جاندار امواج صوتی بلندی را دریافت می‌کند و ^۷ هنگام برخورد این امواج به شیء این امواج به سوی او برمی‌گردد ^۸ و خفّاش آن را می‌بیند و مکان و حجم و فاصله آن را دریافت می‌کند. ^۹ بهره نمی‌برد از این توانایی مگر خفّاش.

أساليب حصر

متکلم بلیغ گاهی بدون آن که در ظاهر عبارت خود کلمه‌ای دال بر **حصر** و **اختصاص** بیاورد، ساختار جمله خود را به گونه‌ای بیان می‌کند که شنونده فهمیم، قصد او را دریافت می‌کند و **تخصیص** مورد نظر او را درک می‌کند.

۱ ساختار: ادات نفی + ادات استثنا

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ﴾

محمد فقط پیامبری است که پیش از او پیامبرانی بوده‌اند.

خداوند در مقابل کسانی که برای پیامبرش صفات دیگر از قبیل «شاعریّت، الوهیت و...» قائل بوده‌اند، این گونه او را در «رسول» بودن محصور می‌کند که محمد فقط یک فرستاده است نه چیز دیگر... بنابراین، صفات دیگر مناسب او نیست... او فقط رسول است!

«بلاغت» علاوه بر درک و فهم به «ذوق» نیز احتیاج دارد.

۲ ساختار: إِنَّمَا + ...

﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ فقط خردمندان پند می‌پذیرند.

«متذکر شدن» و «به یاد آوردن» فقط از آن صاحبان خرد است! (کسان دیگر

متذکر نمی‌شوند)

اکنون حصر را در آیات ذیل مشخص کنیم:

- ﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ﴾ توفیق من فقط به وسیله خداست.

- ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرُ﴾ تو، فقط کسی را بیم می‌دهی که از قرآن

پیروی کند.

- ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ از میان بندگان خدا تنها

دانشمندان و عالمان از او می‌ترسند.

إِقْرَأِ الدَّعَاءَ التَّالِيَّ وَ تَرْجِمْهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ :

وَكُنْ - اللَّهُمَّ - بِعَزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْوْفًا، وَعَلَيَّ
فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا. إِلَهِي وَرَبِّي، مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ
ضُرِّي وَالتَّنْظَرَ فِي أَمْرِي؟
يَارَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ
تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالتَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً
وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وِرْدًا
وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا.

« مِنْ دَعَاءِ كُمَيْلٍ »

كَشْفٌ : كَنَارِ زَدَن

ضُرٌّ : ضَرَر

مَعْمُورَةٌ : أَبَاد

مَوْصُولَةٌ : وَصَلَ شَدَّهُ، مَتَّصَل

سَرْمَدٌ : جَاوِدَان